

بیش معنوی - ۶۲

گرت تامسون

ترجمه

غزاله حجتی، امیرحسین خداپرست

معنای زندگی

ککلسام
نشر نگاه معاصر

فهرست

- سیاسگزاری ۵
- پیشگفتار ۷
۱. گره‌گشایی از پرسش‌ها ۹
۲. امر نامتناهی ۲۳
۳. آیا طرحی در کار است؟ ۳۷
- پیوست: چرا چیزی هست به جای اینکه نباشد؟ ۵۵
۴. مقصود از اهداف ۶۳
۵. تحول معنوی ۷۹
۶. خوشبختی ۸۹
۷. جعل معنا ۱۰۵
۸. واقعیت حداقلی ۱۲۵
۹. درک ارزش ۱۴۳
- پیوست ۱: مرگ ۱۵۹
- پیوست ۲: نظریه‌های نادرست ۱۶۱
۱۰. ورای خود ۱۶۳
۱۱. تعابیر مابعدالطبیعی ۱۷۳
۱۲. رمان‌نویس ۱۸۳
۱۳. زندگی روزمره ۱۹۹
۱۴. کتاب‌شناسی ۲۰۵

پیشگفتار

وقتی نوزدهساله بودم و برای خواندن فلسفه تازه وارد دانشگاه شده بودم، با استادی ملاقات کردم که به تازگی بازنشسته شده بود. اولین روز دانشگاه بود و این پیرمرد موقر و مهربان یکی از کسانی بود که ورود مرا به گروه فلسفه خوشامد گفت. او استاد کارل بریتون^۱ بود، نویسنده کتابی با عنوان فلسفه و معنای زندگی. مردی مهربان و فرهیخته به نظر می‌رسید و من کتابش را خواندم. فهم آن به نسبت دشوار بود. اکنون سال‌ها گذشته و نوبت به من رسیده است تا در این موضوع کتابی بنویسم. من هرگز فکرش را نمی‌کردم که در آینده این کتاب را بنویسم و امیدوارم که شمای خواننده از خواندن آن همان قدر لذت ببری که من از نوشتن آن بردم.

پرسش «آیا زندگی معنایی دارد؟» ویژگی‌های تعلیمی درخور توجه و جالبی دارد. نخست اینکه این پرسش الگویی از یک پرسش فلسفی نیازمند تحلیل و استدلال‌آوری است. در عین حال، بسیار کاربردی است. فهم ضعیف از مسائل مربوط به آن می‌تواند نحوه زندگی ما را تضعیف کند در حالی که داشتن درکی عمیق می‌تواند کیفیت زندگی ما را بالا ببرد. ترکیب این دو ویژگی فلسفی و کاربردی این موضوع را به موضوعی بسیار جالب برای مطالعه تبدیل می‌کند، به ویژه، در زمانه‌ای که به نظر می‌رسد بسیاری از پرسش‌های فلسفی از زندگی روزمره دورند.

دوم، این پرسش کانونی برای پژوهش در انواع گوناگون فلسفه است. از این نقطه مرکزی، می‌توان چندین نظام فکری عمده را مطالعه کرد: اندیشه‌های تحلیلی، آگزیستانسیالیسم، پدیدارشناسی، اندیشه‌های شرقی و پسامدرن. این پرسش بر بسیاری از عناوین فلسفی نیز تأثیرگذار است و در نقطه تلاقی مابعدالطبیعه با اخلاق و فلسفه زیست‌شناسی با دین قرار دارد. همچنین، چون این پرسش ما را ملزم به شناخت خودمان می‌کند، روان‌شناسی و معرفت‌شناسی را نیز دربر می‌گیرد. «معنای زندگی» ما را از مه‌بانگ^۲ تا زندگی روزمره، از آیین بودا تا نظریه

تکامل و از واقع‌گرایی اخلاقی تا هایدگر همراه خواهد برد. این پرسش ما را به بررسی هرمنوتیک و پدیدارشناسی و نیز موضوعاتی مهم در اندیشه تحلیلی ملزم می‌سازد.

به همه این دلایل، این کتاب دو هدف اصلی دارد: نخست، کشف مناظر گوناگون در باب معنای زندگی و مقایسه رویکردهای غربی و شرقی، آگزیستانسیال و پدیدارشناختی و دیگر رویکردها.

هدف دوم استدلال آوردن بر پاسخ‌هایی خاص به ماهیت معنای زندگی است. پرسش از معنای زندگی، تا حدودی، خواست ایضاح ماهیت ارزش است و این پرسش به این شکل، ما را به ورای دوگانگی پذیرفته‌شده رایجی می‌برد که مدعی است ارزش‌ها، یا ارزش‌های اخلاقی اند یا اقتصادی^۱.

این کتاب باید برای مخاطب عام جالب و قابل فهم باشد. افزون بر این، می‌تواند متنی درسی برای دوره‌های «درآمدی بر فلسفه» و «ارزش و فلسفه اخلاق» باشد.

مایلم از مادرم، جون تامسون،^۲ تشکر کنم که نسخه‌ای اولیه از این دست‌نوشته را خواند و اصلاحات زیادی را برای کمک به بهبود آن پیشنهاد کرد. همچنین، از استاد تام تیرنی^۳ و استاد ویلیام واوگن^۴ بابت نظرات جامع و مفیدشان در مورد فصل یازدهم و از استادان مارتین گاندرسن،^۵ ادرین مور،^۶ و فیلیپ ترتزکی^۷ نیز برای نظرات مؤثرشان در مورد نسخه‌های اولیه بخش‌هایی از این کتاب تشکر می‌کنم. استاد ریچارد بل^۸ و دکتر رانلد هاستویت^۹ نیز نظراتی بسیار مفید در مورد نخستین پیش‌نویس‌ها ارائه کردند. دوست دارم از استاد دن کولاک^{۱۰} نیز برای کمک به بهتر شدن کتاب تشکر کنم. در پایان، مایلم کتاب را به پسر، اندرو،^{۱۱} تقدیم کنم.

۱ گره‌گشایی از پرسش‌ها

به طور کلی، در اروپای قرون وسطی، چنین تصور می‌کردند که انسان مخلوقی خاص است و نفسی فناپذیر دارد که بر صورت خدا خلق شده است. براساس این تصور، انسان ذاتاً با حیوان و با بقیه جهان طبیعی و فیزیکی متفاوت است. علاوه بر این، در این تصویر از جهان، فرض بر آن است که زمین ساکن است و جایگاه مرکزی کیهان را به خود اختصاص داده و افلاک گرد آن می‌چرخند. جهان به هر دو معنای حقیقی و استعاری، حول ما می‌گشت. همچنین، تصور می‌کردند طبیعت سرشار از نشانه‌هایی خاص است که مقصودی الهی را بر ما آشکار می‌کنند تا زندگی این جهانی ما را هدایت کند. جهان طبیعت مملو از معانی مضمر بود.

این تصویر را با دیدگاه علمی جدید درباره جهان مقایسه کنید. جهان بی‌اندازه بزرگ است: میلیاردها کهکشان در آن وجود دارد و در کهکشان ما میلیاردها ستاره هست و منظومه شمسی ما تقریباً در بخش بیرونی یکی از بازوهای بیضوی این کهکشان قرار گرفته است. زندگی در سیاره ما، که شامل زندگی خود ما نیز می‌شود، چیزی بیش از محصول کور فرایندهای علی نیست و کل جهان فقط از امور مادی و فیزیکی ساخته شده است. ما انسان‌ها تفاوت نوعی چندانی با دیگر حیوانات نداریم.

جهان برای حدود ۱۸ میلیارد سال وجود داشته اما هیچ مقصد یا طرح خاصی نداشته است و به همین دلیل، زندگی انسان هم هیچ مقصد خاصی ندارد. به علاوه،

- | | | |
|--------------------------|---------------------|----------------------|
| 1. Economic | 2. June Thomsom | 3. Prof. Tom Tierney |
| 4. Prof. William Vaughan | 5. Martin Gunderson | 6. Adrian Moore |
| 7. Philip Turetzky | 8. Richard Bell | 9. Ronald Hustwit |
| 10. Prof. Dan Kolak | 11. Andrew | |